

در هر یک از اتاق‌های منزل با محل کار مکان‌های امن را تعیین کنید. این مکان می‌تواند زیر یک میز محکم، یا کنار دیوار داخلی به دور از پنجره باشد.

خودسوزی چهارمین جانباز در قم

قم‌نیوز | چهارمین جانباز در کمتر از ۳ ماه در قم خودسوزی کرد و خودسوزی او منجر به فوت شده است. این جانباز اعصاب و روان که در صد جانبازی او ۴۵ درصد بوده است، اواسط هفته گذشته در منزل خود در قم دست به خودسوزی زده و برای درمان به بیمارستان سوختگی اصفهان اعزام شده بود. با وجود تلاش کادر درمانی بیمارستان، این جانباز جان باخته است. نخستین خودسوزی دوم شهروبر در مقابل در ورودی اتاق مدیر کل بنیاد شهید و امور ایثارگران قم اتفاق افتاد و پس از آن خودسوزی دوم در تهران و سومین خودسوزی هم در قم صورت گرفت و این چهارمین مورد خودسوزی جانبازان در قم در کمتر از ۳ ماه اخیر است.

ذره‌بین

کلاهبرداری میلیاردی از مالکان «بنز» و «بی‌ام‌و»

شهروند | مرد تبهکاری که سوزه‌های خود را از کانال تلگرامی هواداران بنز انتخاب کرده بود، با ۲۰۰ میلیارد ریال کلاهبرداری از مالباختگان به آخر خط رسید. ابتدای مهر ماه امسال تعدادی از شهروندان به مراجع انتظامی و قضائی مراجعه و از فردی به جرم کلاهبرداری و فروش مال غیر شکایت کردند. پرونده‌های تشکیل شده از سوی شعبه ۱۰ بازپرسی ناحیه ۵ تهران برای دستگیری متهم در اختیار کارآگاهان اداره چهارم پلیس آگاهی قرار گرفت. مالباختگان در اظهارات مشابهی بیان داشتند فریاد شده با استفاده از کانال تلگرامی هواداران بنز، کسبو کار خود را تبلیغ می‌کرد و به بهانه خرید قطعات خودروهای بنز و بی‌ام‌و از کشورهای حوزه خلیج فارس و گرجستان بالغ بر ۲۰۰ میلیارد ریال از آنان دریافت کرده و در مواردی حتی خودروهای امانی مالباختگان را فروخته است. کارآگاهان با دستور قضائی برای دستگیری متهم به محل کار او مراجعه کردند و در بررسی‌های پلیسی مشخص شد متهم از محل کارش گریخته است، به این ترتیب محل کسب با دستور قضائی پلمب شد.

در شاخه دیگری از تحقیقات پلیسی، کارآگاهان موفق شدند مخفیگاه متهم را در شهر پرند شناسایی و پس از مراقبت‌های ویژه پلیسی او را با دستور قضائی در ۱۲ آبان ماه دستگیر و برای تحقیقات تکمیلی به اداره چهارم پلیس آگاهی منتقل کنند.

متهم پرونده که ۳۸ ساله، دیپلمه و متاهل است، در تحقیقات اولیه به جرم ارتکابی اعتراف و اظهار کرد که سابقه دار است و تاکنون دو مرتبه به زندان رفته، به همین دلیل با نام جعلی و به بهانه خرید و فروش خودرو و قطعات یدکی از مالباختگان کلاهبرداری می‌کرده است.

در دادخواست یکی از شکات آمده متهم متعهد شده بود در قبال دریافت مبلغ قابل توجهی از او یک خودرو ۲۰۶ به مالباخته تحویل بدهد، ولی از لحظه واریز وجه، متهم فراری شده و پاسخگوی تلفن هانوده است.

معاون مبارزه با جرم و کلاهبرداری پلیس آگاهی پایتخت با اعلام این خبر گفت: «کارشناسان ارزش ریالی کلاهبرداری را ۲۰۰ میلیارد ریال برآورد کرده‌اند. تاکنون ۱۵ نفر از مالباختگان، متهم را شناسایی کرده‌اند و او با دستور قضائی برای تکمیل تحقیقات و شناسایی سایر مالباختگان در اختیار پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار دارد.

کشف ۳۰ تصادف ساختگی

شهروند | دو متهم حرفه‌ای با ایجاد ۳۰ تصادف ساختگی از شهروندان کلاهبرداری می‌کردند. در پی وقوع چند تصادف ساختگی مشابه در حوزه پلیس راه منطقه حسن آباد که منجر به پرداخت خسارت از سوی شهروندان (مقصران حادثه) شده بود، پلیس راهور منطقه به بررسی موضوع پرداخت.

تحقیقات اولیه پلیس راهور حکایت از ساختگی بودن این تصادف‌ها داشت. پرونده از سوی دادگاه حسن آباد برای شناسایی عامل یا عاملان تصادف‌های ساختگی به پایگاه نهم ارجاع شد.

با دریافت شکایت، تیمی از ماموران پایگاه نهم به محل‌های تصادف مراجعه کردند و مشخص شد راننده یک دستگاه پژو پارس تصادفی در میدان و تقاطع‌ها به نحوی می‌ایستد یا حرکت می‌کند که در نهایت منجر به وقوع تصادف با خودروی شهروندان می‌شود.

در تحقیقات پلیسی به دست آمد متهم به تنهایی یا با همراهی فرد دیگری با خودروی تصادفی بر سر راه سایر شهروندان قرار گرفته و با ضربه زدن به سایر خودروها مدعی می‌شد مقصر حادثه آنها بوده‌اند و با بیان اینکه از شهرستان به تهران آمده و فرصت تعمیر خودرو را ندارد، با دریافت ۵۰۰ هزار الی یک میلیون تومان محل را ترک و در محل دیگری این کار را تکرار می‌کرده است.

در تحقیقات میدانی، تصویر واضحی از راننده خودرو به دست آمد و مخفیگاه او در محله حسن آباد شناسایی شد. با هماهنگی‌های قضائی متهم در مخفیگاهش دستگیر و برای تحقیقات تکمیلی به پایگاه نهم پلیس آگاهی منتقل شد. رئیس پایگاه نهم پلیس آگاهی پایتخت با اعلام این خبر گفت: «متهم در بازجویی‌های اولیه اظهار داشت، فرد دیگری که مالک خودرو است، متهم اصلی پرونده است و وجوه دریافتی از تصادف ساختگی را به حساب او واریز می‌کرد. با شناسایی مالک خودرو، مخفیگاه متهم اصلی پرونده در حسن آباد شهرری شناسایی شد و ماموران موفق شدند او را در مخفیگاهش دستگیر کنند.» متهمان به ۳۰ فقره تصادف ساختگی با همکاری یکدیگر اعتراف کرده و تاکنون ۲۵ نفر از مالباختگان نیز شناسایی شده‌اند. مالباختگان در اظهارات مشابهی عنوان کردند متهم اصلی پرونده با نشان دادن خالکوبی روی بدنش که نوشته بوده من از مرگ نمی‌ترسم، از آنها مبلغی اخاذی کرده است.

امیر حسین خواجوی همه چیز برای اجرای حکم آماده بود. رضا پله‌ها را یکی یکی بالا می‌رفت. کابوسی ۱۵ ساله حالا فاصله زیادی با تعبیر نداشت. فقط چند قدم مانده بود. چند لحظه تا پایان یک زندگی. اما یک تصمیم می‌توانست همه چیز را تغییر دهد.

هوا گرم و میش بود، مثل حال و هوای رضا. سفیدی و روشنایی به رنگ امید در لابه‌لای ترس و وحشت سیاه از مرگ و چوبه دار. هنوز آفتاب زنده حیاط کوچک زندان سقز تقریباً پر شده بود. از مسئولان قضائی و اجرای احکام تا روحانی که برای انجام امور قبل از اجرای حکم که رضا را همراهی می‌کرد. گوشه دیگر حیاط خانواده علیزاده ایستاده بودند. برادران و مادری که داغ فرزند او را خمیده و فرتوت کرده بود. آنها منتظر بودند تا حکم اجرا شود. خانواده علیزاده در همه این سال‌ها تلاش کردند تا خون عزیزشان پایمال نشود. آنها با چشم قدم‌های رضا را دنبال می‌کردند تا نتیجه انتظار چند ساله‌شان را ببینند.

کمی آن سوت‌ر جایی پشت در زندان، حال و هوای دیگری بود. خانواده‌های همراه با مردم شهر سقز در انتظار بودند، اما از جنس دیگری. آنها دوست نداشتند رضا به پله آخر جایگاه اعدام برسد، با اینکه می‌دانستند رضا قاتل است و خونی به ناحق را به گردن دارد، ولی امید داشتند تا شاید اتفاق دیگری بیفتد.

هر چیزی به جز قصاص می‌توانست برای آنها بهترین خبری باشد که از حیاط زندان به گوش‌شان می‌رسید. خانواده قاتل همراه مردم شهر سقز پشت در زندان سقز تجمع کرده بودند. خواسته آنها یک چیز بود، گذشت و بخشش رضا از سوی خانواده علیزاده.

وقتی عقربه‌های ساعت به هم رسیدند، فضای حیاط زندان سنگین‌تر از قبل شده بود. چشمان خیره رضا به خانواده مقتول و سکوت تلخی که ناگهان با طنین صدایی شکست. حسن علیزاده برادر مقتول با صدای بلند فریاد زد که ما از خون عزیزمان گذشتیم. قاتل را بخشیدیم. رضا که دیگر تحمل نداشت، به زمین افتاد، با صدای بلند گریه می‌کرد، شانه‌هایش از هق‌هق تکان می‌خورد. رضا بعد از نزدیک به ۱۵ سال از زیر سایه



گزارش «شهروند» از نجات یک اعدای در سقز فریاد بلند بخشش

وحشت خلاص شد. قاتلی که با ۲۰ سال سن به جرم قتل عمد به حبس رفت و در نهایت پس از کش‌وقوس‌های فراوان در روز اجرای حکمش بخشیده شد. رضا تنها چند ثانیه با طناب دار فاصله داشت که خانواده علیزاده به او فرصت دوباره‌ای برای زندگی دادند.

**بخشش بر ماجرا**

همه چیز از یک نزاع دسته‌جمعی شروع شد. دعوا و درگیری که ظاهراً چندان هم به قاتل و مقتول مربوط نبود و هر کدام به واسطه‌ای در آن درگیری خونین حاضر بودند. آن طور که برادر بزرگ‌تر رضا به «شهروند» می‌گوید: ۲۷ خرداد ماه سال ۸۴ این اتفاق افتاد: «حوالی ظهر بود که رضا همراه دوستانش برای دعوا رفت. درواقع دوستان رضا با چند نفر در نزدیکی‌های خانه علیزاده درگیری داشتند. علت درگیری ساخت‌وسازی بود که آن حوالی انجام شده بود. در همان درگیری محمد علیزاده چاقو خورد و جانش را از دست داد.» بعد از این حادثه رضا که تازه وارد بیستمین سال زندگی‌اش شده بود، همراه دوستانش فرار

کرد و مدتی را در تهران مخفیانه زندگی می‌کرد. بعد از مدتی آنها تصمیم می‌گیرند که برگردند و قرار می‌شود هر سه خودشان را به عنوان قاتل به پلیس معرفی کنند. اما آن طور که برادر رضا به «شهروند» می‌گوید از بین آن سه نفر فقط رضا این کار را انجام می‌دهد: «آن روزی که رضا به اداره آگاهی رفت، اول از همه بازجویی شد و براساس قراری که با دوستانش داشت، به قتل اعتراف کرد، اما آن دو نفر دیگر در بازجویی برادر من را قاتل معرفی کردند. همین هم شد که پرونده برادر من به عنوان قاتل به جریان افتاد.» جریان دادرسی ادامه پیدا کرد تا حالا که رضا ۳۵ ساله باید قصاص می‌شد. شنبه ۱۱ آبان ماه حیاط زندان سقز آماده بود تا سرانجام این پرونده جنایی با اجرای حکم قصاص قاتل مختومه شود. اما گذشت خانواده علیزاده همه چیز را تغییر داد. برادر رضا درباره روز اجرای حکم و بخشیده شدن برادرش از سوی اولیای دم به «شهروند» می‌گوید: «خانواده ما همراه مردم شهر از ساعت ۲ صبح مقابل در زندان تجمع کردیم. همه از خانواده علیزاده می‌خواستند تا رضا را ببخشند، حتی مسئولان قضائی و واحد صلح و سازش اجرای احکام هم خیلی تلاش کردند. با این همه هیچ چیز معلوم نبود. ما پشت در زندان لحظات سختی را تجربه کردیم. درواقع ما برای تحویل گرفتن جنازه برادرمان به آنجا رفتیم. اما خب ته دلمان امیدی هم داشتیم. تا این‌که به ما خبر دادند رضا بخشیده شد.» او ادامه می‌دهد: «در این مدت خیلی‌ها به ما لطف داشتند. ریش سفیدان و بزرگان سقز پا درمیانی کردند. خودمان بارها به خانه علیزاده رفتیم. مردم شهر سقز خیلی تلاش کردند تا رضا قصاص نشود. حتی از شهرهای دیگر هم به سقز آمدند. البته حسن آقا برادر محمد علیزاده هم در همه این مدت با روی باز پذیرای همه افرادی بودند که قصد وساطت داشتند تا اینکه در نهایت بخشش و بزرگواری این خانواده شامل حال رضا و خانواده ما شد. رضا و خانواده ما تا آخر عمر مدیون خانواده علیزاده هستیم. من از طرف خانواده‌ام از همه همشهریان و افرادی که در این مدت به ما کمک کردند تشکر می‌کنم.»



یک گذشت بی قید و شرط



- پس چطور نظر تان عوض شد؟ همانطور که گفتیم، چیزی شبیه به ندای درونی بود. وقتی رضا را کنار طناب دار دیدم، دیگر نتوانستم تحمل کنم و فریاد زدم که قاتل را ببخشیدم.
- در خواست‌های مکرر اهالی و تجمع آنها مقابل زندان در تصمیم‌شما چه تاثیری داشت؟ در واقع موثر نبود. اتفاقاتی که در چند روز منتهی به اجرای حکم در سقز رخ داد، در تغییر نظر ما خیلی موثر بود. وساطت ریش سفیدان و رفت‌وآمدهایی که به خانه ما انجام شد، زمینه‌ساز بود. چند ماه این ماجرا ادامه داشت. خواسته همه شهر این بود که این بخشش از طرف ما انجام شود. وقتی صدای جمعیت را که از ما می‌خواستند از قصاص بگذریم می‌شنیدیم، حالم تغییر می‌کرد. فکر می‌کنم هر انسانی در چنین شرایطی قرار بگیرد، قطعاً تحت تأثیر قرار می‌گیرد.
- این تصمیم همه خانواده بود؟ بله؛ همه خانواده به این کار راضی بودند. نکته جالب ماجرا این بود که وقتی من حالم را با بقیه خانواده در میان گذاشتم، آنها هم کم و بیش، همان حس و حالی را داشتند که من تجربه کرده بودم. ضمن اینکه من از برادرهایم، خواهرانم و مادر و کالت نامه‌داشتم و همه کارها بر عهده من بود.
- در این مدت چقدر به آن لحظه و بخشش رضا فکر کردید؟ خیلی زیاد و البته خیلی خوشحالم از اینکه او را ببخشیدم. من فقط به خاطر رضای خدا این کار را کردم. خیلی‌ها به من گفتند حداقل شرایطی برای بخشش تعیین کن. اما من بدون هیچ قید و شرطی او را ببخشیدم. حتی صحبت از پول و تبعید و زندان هم نبود، اما من در جواب گفتم فقط

- اما صحبت‌های خانواده علیزاده درباره بخشیدن قاتلی که بیش از ۱۴ سال به دنبال محکومیت و قصاص او بودند هم جالب و شنیدنی است. خانواده‌ای که در آخرین لحظات اجرای حکم از خون عزیزشان گذشتند. حسن علیزاده برادر محمد است. برادر مقتول که در همه این مدت پیگیر پرونده بود. آن طور که خودش می‌گوید با خودش عهد کرده بود که تقاص خون برادرش را بگیرد، اما برای یک «آن» تصمیمش عوض می‌شود و او به نمایندگی از طرف خانواده‌اش بی‌هیچ قید و شرطی رضا را ببخشید.
- یعنی از قبل برنامه‌ای برای بخشش او نداشتید؟ شب قبل از اجرای حکم، همه خانواده یکجا بودیم. خانه خواهرم، شاید باور تان نشود، اما هیچ کدام تا آن صبح نخوابیدیم. حال عجیبی بود، نماز را که خواندیم، به طرف زندان حرکت کردیم. تصمیم ما قصاص بود. اسلام با خودم عهد کرده بودم که هیچ‌وقت رضایت ندهم. من همراه خانواده برای اجرای حکم قصاص به آنجا رفتم.

- برای رضای خدا این جوان را ببخشیدم.
- برادر شما زمانی که به قتل رسید چند سال داشت؟ حدود ۳۹ سال.
- او ازدواج کرده بود؟ بله و یک پسر دارد به نام حسین. او الان ۲۷ ساله است.